

خداشناسی برای خرد سالان

نوشته‌ی:

إسحاق دبیری رحمته الله

عنوان کتاب:

خداشناسی برای خردسالان

نویسنده:

إسحاق دبیری رحمته

مترجم:

عقاید کلام - مجموعه عقاید اسلامی - توحید و الهیات

موضوع:

اول (دیجیتال)

نوبت انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

تاریخ انتشار:

کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- فهرست مطالب.....أ
- مقدمه ١
- پرسش و پاسخ ٣
- فصل ١: اولین چیزی که خداوند بر بندگان خود فرض کرد..... ٧
- فصل ٢: اسلام ٧
- معنای «لا إله إلا الله»:..... ٩
- فصل ٣: دلیل بر إقامة نماز و آدای زکات ٩
- فصل ٤: دلیل فرضیت روزه و حج خانه خدا..... ١٠
- دلیل حج و زیارت خانه خدا:..... ١٢
- فصل ٥: أصول ایمان ١٢
- فصل ٦: ایمان به محمد ﷺ..... ١٣
- فصل ٧: ایمان به معاد ١٥
- فصل ٨: بعثت حضرت محمد ﷺ..... ١٦
- فصل ٩: اولین و آخرین پیامبران خدا ١٧

فصل ۱۰: بخشی از اعتقادات سلف و پیشینیان امت محمد ﷺ ۱۹

- (۱): از اصول أهل سنت و جماعت: ۱۹
- (۲) حشر، پاداش، و جزاء: ۲۱
- (۳): وظیفهٔ مسلمانان در برابر رسول خدا ﷺ: ۲۲
- (۴) محبت و دوست داشتن یاران و صحابهٔ رسول خدا ﷺ و ﷺ: ۲۳
- (۵) وظیفهٔ مسلمانان در برابر خلفای راشدین ﷺ: ۲۵
- (۶): عشرهٔ مبشره به بهشت: ۲۸
- (۷): عدم گواهی دادن برای شخص معینی که بهشتی یا دوزخی است: ۲۹
- (۸): وظیفهٔ مسلمانان در برابر أزواج و همسران رسول خدا ﷺ: ۲۹
- (۹): وظیفهٔ مسلمانان در برابر ائمه و حکام و فرمانروایان مسلمین: ۳۰

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ أَمَّا بَعْدُ:

پس از ستایش و سپاس پروردگار جهانیان و درود بی پایان بر روان پاک خاتم پیغمبران محمد بن عبدالله و آل اطهار و صحب اخیارش از آنجائیکه خدانشناسی مهمترین عقیده هر مسلمان می باشد بر خود لازم دانستم تا این مختصر را به برادران مسلمان خود که در واقع سرنوشت هر انسان مؤمن در دنیا و آخرت بر آن استوار است تقدیم دارم.

زیرا اگر انسان مسلمان خدا را نشناسد و برای شناخت آن تلاش و جستجو نکند، نمی داند چه کسی او را آفریده، و چه کسی آسمانها و زمین را خلق نموده، پیامبران از سوی چه کسی برای راهنمایی مردم مبعوث شده اند، و ندانستن اینها باعث می شود که روز قیامت از جمله جهنمیان باشد.

با توجه به اهمیت مسئله خواستم با تقدیم این کتابچه، به دین مبین اسلام و مسلمانان فارسی زبان جهان خدمتی کرده باشم، و اجر و پاداش را از خداوند متعال خواستارم.

او خوانندگان محترم تقاضا دارم اگر در کتابچه اشتباه و یا خطائی یافتند از آن چشم پوشی کرده ما را معذور دارند.

و در پایان از کسانی که هزینه چاپ و توزیع کتاب را متحمل شده‌اند بسیار سپاسگذارم و از خداوند توانا خواهانم آنان را در این گامی که برای نشر فرهنگ اسلام و خدمت مسلمانان جهان برداشته‌اند موفق و در سایر کارهای خیر توفیق عنایت فرماید.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

أبو عبدالله: إسحاق دبیری

ریاض صفر ۱۴۱۰

پرسش و پاسخ

س ۱: اگر بتو گفته شد معبود و پروردگار تو کیست؟

ج: بگو معبود و پروردگار من الله است.

س ۲: رب یعنی چه؟

ج: رب یعنی مالک، پروردگار، خالق، پرورش دهنده همه مخلوقات.

س ۳: اگر بتو گفته شد چگونه خدا و پروردگار خود را می‌شناسی؟

ج: بگو او را بوسیله نشانه‌ها و دلایل و مخلوقات او می‌شناسم.

شب و روز و آفتاب و ماه و ستارگان همه از نشانه‌های اوست.

و آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌ها و در آن‌هاست از مخلوقات خداوند

هستند، چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُعْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۵۴﴾ [الأعراف: ۵۴].

[همانا پروردگار شما همان خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در

شش روز آفرید، سپس بر عرش مستوی شد، شب را در روز، و روز را در شب

داخل می‌کند، پشت سر هم و بدون انقطاع، آفتاب و ماه و ستارگان از

دستورات او پیروی می‌کنند، همه مخلوقات و تصرف در آن فقط از آن

خداوند است، الله پروردگار عالمیان چقدر بلند مرتبه است.]

س ۴: اگر بتو گفته شد چرا خداوند تو را آفریده است؟

ج: بگو خداوند ما را برای عبادت کردن و پذیرش طاعات و اوامر

خودش، و اینکه او را به یگانگی بشناسیم، و از آنچه نهی کرده پرهیز کنیم

آفریده است.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

[جن و انس را فقط برای عبادت و پرستش خودم آفریدم].

شرح آیه کریمه: جن و انس را برای لهو و لعب و بازی نیافریدم، بلکه آن‌ها را آفریده‌ام تا مرا عبادت نمایند، و در برابر دستورات و نواهی من تسلیم باشند.

و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ﴾ [المائدة: ۷۲].

[هر کسیکه شریک برای خداوند قرار دهد و با خداوند یگانه مخلوقاتی را عبادت کند، خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاه او آتش جهنم است، مگر اینکه قبل از مردن توبه کند].

شرک: بمعنی شریک قرار دادن برای خداوند یکتا است، بطوریکه غیر از خدا را صدا کند، و از غیر خداوند رحمت بطلبد، و از غیر خدا ترس و هراس داشته باشد، و یا اینکه التماس و توکل فرد بر غیر خدا باشد، یا عبادتی از عبادات را برای غیر خدا انجام دهد، همه این‌ها شرک است.

تعریف عبادت: عبادت شامل تمام آن اقوال و افعال و اعمال ظاهری و باطنی می‌شود که خداوند آن‌ها را دوست دارد و از آن‌ها راضی می‌شود.

و از جمله این عبادت‌ها دعا است که خداوند تبارک و تعالی در قرآن

می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۱۸].

[مساجد از آن خداست، پس با خداوند فرد دیگری را صدا نزنید].

و دلیل اینکه عبادت غیر از خدا کفر است این آیه قرآن است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۷].

[کسیکه با خداوند یگانه‌یله و معبودی دیگر را بخواند و بر این عملش هیچ برهان و دلیل ندارد، همانا حساب او نزد پروردگارش هست، و کفار رستگار نمی‌شوند].

آیه اشاره به این مطلب دارد که اگر کسی با خدا معبودی دیگر پرستش نماید، بطوریکه بغیر از خدا کسی دیگر را بخواند و از آن بت‌رسد، و نذر و ذبح و قربانی برای همان معبود انجام دهد، در حالیکه هیچ برهان و دلیل برای عبادت غیر خداوند ندارد، خداوند جزای او را روز قیامت خواهد داد، او در واقع ضرر کرده است، زیرا با این کارهایش کافر شده است، و کافران کامیاب و پیروز نمی‌شوند، و برای همیشه در جهنم باقی خواهند ماند.

و دعا از بزرگترین و عظیمترین انواع عبادت‌ها است، چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰].

[پروردگار شما می‌گوید: مرا بخوانید تا شما را اجابت نمایم، کسانی که از عبادت و پرستش من تکبر ورزند با ذلت و خواری وارد جهنم خواهند شد].

از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الدعاء هو العبادة، ثم قرأ: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر: ۶۰]»^(۱).

دعا همان عبادت است، سپس رسول اکرم صلی الله علیه و آله آیه فوق را تلاوت فرمودند.

(۱) امام أحمد، أبوداود، ترمذی، نسائی، ابن ماجه، ابن حبان، حاکم در مستدرک، هیثمی در موارد الظمان وغیر از این‌ها.

فصل ۱: اولین چیزی که خداوند بر بندگان خود فرض کرد

اولین چیزی که خداوند بر بندگان خود فرض کرد، کفر به طاغوت و ایمان بخداوند است، چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶].
[در هر امت پیامبری فرستادیم تا خدا را عبادت نمایند و از طاغوت پرهیز کنند].

خداوند در این آیه خبر می‌دهد که بسوی همهٔ امت‌ها پیامبرانی برای هدایت و راهنمایی آن‌ها فرستاده شده است، تا راه حق و درست را به آن‌ها نشان دهند، و آنان را از عبادت بت‌ها و طاغوت‌ها برحذر دارند، و این آیه همچنین دلالت می‌کند که دعوت همهٔ پیامبران بسوی یک چیز است و آن پرستش خدای یگانه و دوری از طاغوت و بت‌ها است.

طاغوت: یعنی آنچه بجز خداوند عبادت شود، و او راضی به این عبادت باشد، یا بمعنای: شیطان، کاهن، ساحر و ستاره‌شناسی که ادعای علم عیب بوسیلهٔ ستارگان می‌کند، و همچنین کسیکه بغیر از حکم و شریعت خداوند قضاوت و حکم می‌کند و دیگران او را اطاعت می‌کنند طاغوت است.

فصل ۲: اسلام

س ۵: اگر بتو گفته شد دین تو چیست؟

ج: بگو دین من اسلام است.

و اسلام یعنی: تسلیم خداوند یگانه شدن، و به طاعات و اوامر و نواهی او گردن نهادن، و از او فرمانبرداری کردن است، و باید با تمامی مسلمانان جهان محبت و دوستی کنیم، و با تمام مشرکین و مخالفین اسلام دشمنی کنیم.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹].

[همانا دین پسندیده نزد خدا و حکم و رضای او در آئین اسلام است].

و همچنان می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵].

[کسیکه دینی غیر از اسلام انتخاب نماید، هرگز از او قبول و پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران و هلاک شونده‌گان در آتش جهنم می‌باشد، اگر بر غیر دین و آئین اسلام بمیرد، و قبل از مردن توبه نکند].

و رسول اکرم ﷺ اسلام را چنین تعریف می‌کند: «أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتَقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^(۱).

اینکه گواهی دهی که معبود و خدایی حق جز خدای یکتا وجود ندارد، و گواهی بدهی که محمد ﷺ رسول و فرستاده خداست، و نماز را با ارکان و واجبات و سنت‌های آن برپا داری، و زکات مال خود را بدهی، و ماه مبارک رمضان را روزه بگیری، و فریضه حج را ادا نمایی در صورتی که استطاعت و قدرت داشته باشی.

(۱) امام مسلم در صحیح، نقل از حدیث جبریل رضی الله عنه که عمر بن الخطاب رضی الله عنه راوی آن است.

معنای «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»:

یعنی: هیچ معبود و پروردگار حقی بجز خدای یگانه نیست.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿۱۱۱﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿۱۱۲﴾﴾ [الزخرف: ۲۶-۲۷].

[ای رسول ما بیاد آور هنگامی که ابراهیم علیه السلام به پدر و قومش گفت: ای بت پرستان، من از معبود شما بیزارم، و جز خدایی را که مرا آفریده - و البته ما را هدایت خواهد کرد - نمی‌پرستم، و این خدا پرستی را بر همه ذریه و نسل خود تا قیامت کلمه‌ای باقی گردانید تا همه فرزندانش بخدای یکتا رجوع کنند].

و همچنان خداوند از زبان ابراهیم علیه السلام در سوره‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَبْنَئِي إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۱﴾﴾ [البقرة: ۱۳۲].

[ابراهیم و یعقوب علیهما السلام فرزندان خود را جمع کرده و به تسلیم‌بودن در برابر فرمان خدا سفارش و توصیه نمودند، بدینگونه که ای فرزندان ما، خداوند برای شما دین را برگزید، پیوسته از آن آئین پیروی کنید و تا هنگام جان سپردن بجز تسلیم رضای خدا نباشید].

فصل ۳: دلیل بر إقامة نماز و آدای زکات

و دلیل بر إقامة نماز و آدای زکات آیه قرآن کریمه است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ﴿۵﴾﴾ [البينة: ۵].

او به آن‌ها امر نشد بجز اینکه خدای یکتا و یگانه را با اخلاص کامل عبادت کنند، و آئین و دین‌های دیگر را ترک کنند، و به دین حنیف و پاک اسلام داخل شوند، و نمازهای پنجگانه را در اوقات معین شده با شروط و ارکان و آداب آن بر پا دارند، و زکات مال خود را که خدا واجب کرده به فقراء و مساکین صالح بدهند، و این دین و آئین ملت قییم و مستقیم و باقی است که بنده را به رضای خدا و بهشت‌های جاویدان و همیشگی می‌رساند، و از عذاب و خشم خداوند دور می‌کند].

پس در این آیه کریمه بزرگترین چیزی که به ما امر شده - توحید - یعنی: یکتا پرستی و براءت از شرک و مشرکان است.

و بزرگترین چیزی که ما از آن نهی شده‌ایم - شرک - یعنی: برای خداوند شریک قرار دادن و شرک ورزیدن است.

و در این آیه خداوند امر فرمودند تا نماز را بر پا داشته و زکات مال خود را ادا نماییم و این‌ها از مهمترین اوامر دین مبین اسلام هستند، و آنچه بعد از این عبادت‌ها می‌آید تابع توحید و یکتا پرستی است.

فصل ۴: دلیل فرضیت روزه و حج خانه خدا

و دلیل فرضیت روزه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۴﴾ أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ ۚ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ ۗ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۵﴾ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَن شَهِدَ

مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْتُمْ ۗ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۸۵﴾ [البقرة: ۱۸۳-۱۸۵].

[در سال دوم هجرت روزه بر مسلمانان فرض شد و خداوند خطاب به مؤمنان فرمودند: ای کسانی که ایمان آوردید، روزه بر شما فرض شد همچنانکه بر امت‌های قبل از شما فرض شده بود، تا راه تقوی و پرهیزگاری را در پیش گیرید، به اوامر خداوند عمل کرده و از آنچه نهی کرده دوری کنید، روزهای محدودی بر شما فرض شده، یعنی یکماه در سال تا شما دچار مشقت و سختی نشوید، و کسی که از شما مریض و یا مسافر بود می‌تواند روزه نگیرد و بعد از ماه رمضان قضای آن را بجا آورد، و کسانی که نمی‌توانند روزه بگیرند بسبب پیری و یا مریضی که انتظار ندارند از آن مرض شفا یابند، می‌توانند روزه نگیرند و بجای آن هر روز به مسکینی فدیة دهند، و بر چنین فردی قضا واجب نیست، اگر توانایی دارند روزه گرفتن برای آن‌ها بهتر است، زیرا روزه باعث مغفرت گناهان و شفا یافتن از مرض‌ها می‌شود - این آیه هنگامی که روزه واجب نبود نازل شد، و وقتی این آیه نازل شد روزه بر مسلمانان واجب و فرض گردید - خداوند بعد از آن می‌فرماید: ماه رمضان ماهی مبارک است که در آن قرآن برای هدایت مردم نازل شده، و در قرآن هدایت، و نور، و إرشاد، و دلایل واضح برای نجات راه است، پس کسیکه ماه رمضان را دریافت روزه بگیرد، و کسیکه مریض و یا مسافر بود می‌تواند روزه نگیرد و بعد از رمضان قضای آن‌ها را بجا آورد، خداوند برای شما آسانی می‌خواهد، نه سختی و دشواری، پس روزه ما مبارک رمضان را کامل بگیرید و عظمت و بزرگی خداوند را یاد کنید، زیرا او شما را به راه مستقیم هدایت کرده تا او را عبادت کنید، پس شایسته است سپاسگذار خداوند باشید].

دلیل حج و زیارت خانه خدا:

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷].

[خداوند تبارک و تعالی زیارت و حج خانه خود را بر تمامی مسلمانان در

سال نهم هجرت واجب نمود و شرایط و وجوب حج عبارتند از:

- ۱- اینکه حاج استطاعت مالی، و استطاعت بدنی داشته باشد.
- ۲- راه رفت و برگشت امنیت داشته و خطر ترس و خوفی در آن نباشد.
- و کسیکه حج خانه خدا را انکار کند خدا از اِئِس و جن بی نیاز است و به کسی احتیاج ندارد].

اگر یکی از این شرطها کم باشد حج واجب نمی‌شود.

فصل ۵: اصول ایمان

ایمان شش اصل دار که عبارتند از:

- ۱- ایمان بخدا.
- ۲- ایمان به فرشتگان خداوند.
- ۳- ایمان به کتاب‌های خداوند.
- ۴- ایمان به فرستاده‌ها و پیامبران خداوند.
- ۵- ایمان به روز آخرت: یعنی روز رستاخیز.
- ۶- ایمان به قضا و قدر، خیر و شر آن.

و دلیل ایمان آوردن بخدا حدیث عمر بن الخطاب رضی الله عنه است که وقتی

جبریل علیه السلام نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و از آنحضرت صلی الله علیه و آله درباره اسلام و ایمان و احسان پرسیدند.

و جزوی از متن حدیث چنین است:

« ... قال فأخبرني عن الإيمان؟ قال أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه
ورسله واليوم الآخر وتؤمن بالقدر خيره وشره، قال: صدقت ... »^(۱).

جبریل علیه السلام فرمود: ایمان چیست؟

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند: ایمان عبارتست از اینکه به خدا،
فرشتگان خدا، کتابهایش، فرستادگان خداوند، روز قیامت، خیر و شر تقدیر
ایمان بیاوری، جبریل علیه السلام فرمودند: درست است.

فصل ۶: ایمان به محمد صلی الله علیه و آله

س ۶: اگر بتو گفته شد پیامبر و کسیکه بسوی تو فرستاده شده کیست؟
ج: بگو محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف است،
خداوند او را از میان قبیله قریش انتخاب نمود، و قبیله قریش بهترین اولاد
حضرت اسماعیل علیه السلام هستند.

و خداوند متعال محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله را بسوی تمامی جهانیان، انس و
جن، سفید، و سیاه و سرخ، فرستاده، و هیچ فرقی بین عرب و عجم و غیره
بجز با تقوی و پرهیزگاری نیست، و خداوند بر رسول خود صلی الله علیه و آله قرآن کریم و
سنت را نازل نمود تا با حکمت، آگاهی و هوشیاری مردم را بسوی اخلاص و
توحید در عبادت دعوت کند، و از پرستیدن بتها، سنگها، درختان، انبیاء،
صالحین، فرشتگان، و غیره برحذر دارد، در نتیجه پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را بسوی
توحید و ترک شرک و بتپرستی دعوت نمود و با آنها جهاد و مبارزه کرد تا
شرک را ترک کرده و به عبادت خدای یکتا روی آورند.

(۱) صحیح امام مسلم در صحیح.

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۲۰].

ای محمد به مردم بگو من خدای خود را بیگانگی می‌پرستم و هرگز کسی را با او شریک نمی‌گردانم].

و همچنین خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي﴾ [الزمر: ۱۴].

ای محمد باز بگو به مشرکان: من خدای یکتا را می‌پرستم و دینم را خاص و خالص برای او می‌گردانم].

و باز می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَقَابِلِي﴾ [الرعد: ۳۶].

ای محمد بگو من مأمورم که خدای یکتا را پرستش نمایم و به او شرک نورزم و شریک قرار ندهم، و مردم را بسوی او دعوت کنم تا به او ایمان بیاورند، و او را خدای یکتا بدانند، و از او اطاعت و پیروی کنند، و معاد و بازگشت همه ما بسوی اوست].

و همچنین می‌فرماید: ﴿قُلْ أَفَعَيَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُوَنِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ﴾ [الزمر: ۶۶-۶۷].

ای محمد به مشرکان قریش بگو: ای نادانان، مرا امر می‌کنید تا غیر خدا را عبادت کنم؟ سپس می‌فرماید: ای محمد بر تو و بر پیامبرانی که قبل از تو فرستاده شده‌اند وحی شد که هر کس برای خداوند شریک قائل شود، همه اعمال و کردار نیک او باطل می‌شود، و او در دنیا و آخرت جزو

زیانکاران است، ای محمد بگو من فقط خدای یگانه را می‌پرستم و او را بر نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته از قبیل نبوت، رسالت، عصمت، هدایت، و غیر از این‌ها شکر و سپاس می‌گویم.]

فصل ۷: ایمان به معاد

یکی از اصول ایمان که انسان را از کفر نجات می‌دهد، ایمان به معاد و روز رستاخیز است، در آن روز انسان جلوی پروردگار حاضر می‌شود و جزاء و پاداش اعمال خود را خواهد دید، و اگر عمل خوب انجام داده وارد بهشت، و اگر عمل بد انجام داده وارد جهنم می‌شود، و همه این‌ها حق است، و ایمان به آن واجب است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾ [طه: ۵۵].

[ما شما را از خاک آفریدیم و به خاک باز می‌گردانیم و بار دیگر روز قیامت شما را از خاک بیرون می‌آوریم].

و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِن تَعْجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَءِذَا كُنَّا تُرَابًا أَعْنَا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [الرعد: ۵].

[ای محمد! اگر از ایمان نیاوردن آن‌ها به رسالت و نبوت تعجب می‌کنی، عجیب‌تر از آن این است که آن‌ها بعثت و روز رستاخیز را انکار می‌کنند، و با وجود دلایل قاطع و برهان‌های واضح و قوی می‌گویند: اگر ما مردیم و به خاک تبدیل شدیم آیا دوباره خلق خواهیم شد؟ این‌ها با چنین حرف‌هایی به پروردگار خود کفر ورزیدند، و روز قیامت زنجیرها و حلقه‌های

آهنین به گردن آن‌ها خواهد بود، و از جمله جهنمیان بشمار می‌روند، و در جهنم همیشه باقی خواهند ماند، و هیچگاه از آن خارج نخواهند شد].

در این آیه کریمه، کسی که روز قیامت و رستاخیز را انکار نماید کافر قرار داده شده، و برای همیشه در جهنم باقی خواهد ماند، خداوند ما و شما را از هر گونه کفر و کردار کفرآمیز محفوظ نگه دارد.

و این آیه کریمه شامل اخلاص در عبادت، نهی از عبادت غیر خدا و همه آن چیزی که رسول خدا ﷺ برای تبلیغ آن فرستاده شده می‌شود، و این دین و آئین خداوند است که مردم را به سوی یگانه‌پرستی دعوت می‌کند و در راه آن جهاد و مبارزه می‌کند، چنانکه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾ [الأنفال: ۳۹].

[خداوند تبارک و تعالی به رسول خود ﷺ و مؤمنان دستور می‌دهد تا با مشرکان همیشه و پی در پی جهاد نمایند و هیچگونه فتنه، فساد، ظلم، ستم و شرکی باقی نماند، و دین فقط از آن خدا شود، و بجز خداوند کسی دیگر عبادت و پرستش نشود].

فصل ۸: بعثت حضرت محمد ﷺ

خداوند تبارک و تعالی محمد بن عبدالله ﷺ را در سن چهل سالگی به پیامبری برگزیدند، رسول خدا ﷺ در مکه مردم را بسوی اخلاص عبادت، یگانه‌پرستی و ترک عبادت غیر خدا دعوت نمود، سپس خداوند او را از مکه به بیت المقدس و از آنجا بسوی آسمان بالا برد که آن را معراج می‌نامند، و در آنجا نمازهای پنجگانه بر رسول خدا ﷺ و امتش بدون هیچ واسطه‌ای بین او و خدا فرض شد، سپس بعد از اینکه رسول خدا ﷺ سیزده سال در مکه

مردم را به یگانه‌پرستی دعوت نمود، خداوند به وی دستور داد تا به مدینه هجرت نماید، و در راه خدا جهاد و مبارزه کند، وی حدود ده سال در مدینه برای نشر دین و آئین خداوند جهاد کرد تا اینکه مردم دسته دسته به دین اسلام گرویدند، و هنگامی که عمرش به شصت و سه سالگی رسید، خداوند دین را کامل کردند، و رسول الله ﷺ دین را به مردم رساندند، خداوند به رسولش ﷺ خبر داد که اجل او نزدیک شده و بزودی دنیا را بسوی آخرت و لقای خداوندی وداع خواهد گفت.

از عائشه رضی الله عنها روایت است که فرمودند: «توفي النبي ﷺ وهو ابن ثلاث وستين سنة»^(۱).

رسول اکرم ﷺ در سن شصت و سه سالگی دنیا را وداع گفتند.

فصل ۹: اولین و آخرین پیامبران خدا

اولین پیامبران و رسل خدا نوح عليه السلام و آخرین آن‌ها محمد بن عبدالله عليه السلام می‌باشد.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ...﴾ [النساء: ۱۶۳].

[خداوند تبارک و تعالی به رسول الله ﷺ می‌فرماید: ما بسوی تو وحی فرستادیم چنانکه بسوی نوح و انبیائی که بعد از او فرستاده شده‌اند وحی فرستادیم].

و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ...﴾ [آل عمران: ۱۴۴].

(۱) متفق علیه.

[محمد ﷺ نیست بجز رسول و فرستاده خدا].

و باز در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۴۰].

[محمد ﷺ پدر هیچیک از مردان شما نبود، نه پدر زید بن حارثه، و نه غیر از او، چون محمد ﷺ پسری نداشت که بزرگ شود، بلکه تمامی پسرانش در کودکی دنیا را وداع گفتند، رسول اکرم ﷺ داری چهار فرزند پسر شد، سه تن آن‌ها یعنی: قاسم، طیب، و طاهر ﷺ مادرشان خدیجه ﷺ، و ابراهیم ﷺ از ماریه قبطیه ﷺ متولد شدند، پس بر رسول الله ﷺ حرام نیست تا با زنی که زید بن حارثه طلاق داده بود ازدواج نماید، چون زید بن حارثه پسر او نیست در حالیکه مردم او را زید بن محمد صدا می‌کردند، و آنهم قبل از ابطال و نابودی تبنی و احکام آن بود^(۱).

(۱) تبنی به معنای: به فرزندی قبول کردن است، در جاهلیت و صدر اسلام تبنی رواج داشت و آنهم: وقتی جوانی با شهادت و شجاع که صفات خوب در او وجود داشت او را فرزند خود قرار داده و به او بعد از مردن کسی که او را به فرزندی خود در آورده و به او نسبت داده می‌شد میراث یک پسر می‌دادند، خداوند با نازل کردن آیه: ﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ...﴾ [الأحزاب: ۵] تبنی را نسخ و باطل فرمودند. تفسیر آیه: [پسر خوانده‌ها را به پدرانشان نسبت دهید، این نزد خداوند به عدل و راستی نزدیکتر است، و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید آن‌ها برادران دینی و یاران شما هستند].

برای اطلاع بیشتر به قصه زید بن حارثه می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

۱- الإصابة لابن حجر العسقلانی (۲۴/۳ - ۲۶) ترجمه (۲۸۸۴).

۲- أسد الغابة، لابن الأثير (۲۸۱/۲ - ۲۸۴) ترجمه (۱۸۲۹).

۳- الدر المنثور، للسيوطی (۵۶۳/۶ - ۵۶۴) سوره الاحزاب.

فصل ۱۰: بخشی از اعتقادات سلف و پیشینیان اُمت محمد ﷺ

(۱): از اصول اهل سنت و جماعت:

ما باید به آنچه در قرآن و سنت صحیح رسول اکرم ﷺ وارد شده است اعم از امور غیبی و یا ظاهری ایمان داشته باشیم، هرچند حقیقت و واقعیت معنای آن را ندانیم، مانند:

آسایش و راحتی در قبر و عذاب آن.

باید به آسایش و عذاب قبر ایمان داشته باشیم، به این معنی که قبر مؤمن وسیع و نورانی می‌شود و دری از درهای بهشت برویش باز می‌شود، و قبر کافر تنگ شده و دری از درهای جهنم بروی او گشوده می‌شود.

خداوند از آل فرعون خبر داده که در قبرهایشان قبل از بر پا شدن قیامت عذاب داده می‌شود، و آتش جهنم هر روز صبح و شام بر آن‌ها عرضه می‌شود، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ۝۵۰﴾ التَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿۵۱﴾ [غافر: ۴۵-۴۶].

[و عذاب سخت بر آل فرعون فرا رسید - و همه به دریا هلاک، و غرق شدند - اینک آتش دوزخ را صبح و شام بر آن‌ها عرضه می‌دارند، و چون روز قیامت شود خطاب آید که فرعونیان را بسخت‌ترین عذاب جهنم وارد کنید].

از رسول اکرم ﷺ به ثبوت رسیده است که فرمودند: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ وَتَوَلَّى عَنْهُ أَصْحَابُهُ، حَتَّى إِنَّهُ يَسْمَعُ قُرْعَ نَعَالِهِمْ، أَتَاهُ مَلَكَانِ، فَيَقْعِدَانِهِ، فَيَقُولَانِ لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ - لِمَحْمَدٍ - فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَقُولُ: أَشْهَدُ

أَنَّه عبد الله ورسوله، فيقال: انظر إلى مقعدك من التار، قد أبدلك الله به مقعداً من الجنة، فيراهاما جمعياً، ويفسح له في قبره سبعون ذراعاً، ويملاً عليه خضراً إلى يوم يبعثون.

وَأما الكافر أو المنافق، فيقال له: ما كنت تقول في هذا الرجل؟ فيقول: لا أدري، كنت أقول ما يقول الناس، فيقال له: لا دريت ولا تليت، ثم يضرب بطراق من حديد ضربة بين أذنيه، فيصبح صيحة يسمعا من يليه غير الثقلين، ويضيق عليه قبره حتى تختلف أضلاعه^(۱).

وقتی که بنده خدا دفن شد و دوستانش از اطراف او دور شدند - و او صدای پای آن‌ها را می‌شنود - دو فرشته نزد او می‌آیند و او را می‌نشانند و به او می‌گویند: در مورد این مرد چه می‌گفتی؟ - یعنی محمد ﷺ - پس اگر مؤمن باشد می‌گوید: گواهی می‌دهم که او بنده و فرستاده خداست، پس به او گفته می‌شود: نگاه کن بسوی جایگاهت که از جهنم است، و باریتعالی آن را به جایگاه و مسکنی از بهشت تبدیل کرده، و همه آن را می‌بیند، و قبر او هفتاد ذراع وسعت پیدا می‌کند، و از گل‌ها و سبزی‌ها تا روز قیامت پر می‌شود، و أما کافر و یا منافق به او گفته می‌شود: چه می‌گفتی در باره مردی که میان شما ظهور کرد؟ جواب می‌دهد: نمی‌دانم، آنچه مردم می‌گفتند، می‌گفتم، پس به او گفته می‌شود: ندانستی و نخواندی، سپس ضربتی با چکشی از آهن بین دو گوش او زده می‌شود و او فریاد و نعره‌ای می‌کشد که بجز انس و جن سایر اطرافیانش آواز او را می‌شنوند، و قبر بر او تنگ می‌شود تا اینکه دنده‌هایش درهم شکسته شود.

(۱) متفق علیه.

(۲) حشر، پاداش، و جزاء:

اهل سنت و جماعت ایمان به روز رستاخیز را واجب می‌دانند، و در آن روز نیکوکاران پاداش عمل نیک، و بدکاران جزای عمل بد خود را خواهند دید، و مُنکر روز قیامت و پاداش و جزاء؛ را کافر می‌دانند، خداوند در قرآن ذکر کرده که اهل قبور را در آن روز زنده خواهد کرد، چنانکه می‌فرماید:

﴿رَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۷﴾﴾ [التغابن: ۷].

[کافران گمان کردند هرگز پس از مرگ برانگیخته نمی‌شوند، ای رسول خدا به آن‌ها بگو: بخدای من سوگند که البته برانگیخته می‌شوید، و سپس به نتیجه اعمال خود می‌رسید، و این برای خداوند بسیار آسان است].

و همچنین انسان‌ها روز رستاخیز از تمامی کردار نیک و بد، بزرگ و کوچک که در زندگی انجام داده‌اند بازخواست خواهند شد، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا الْكِتَابِ لَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَٰضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿۴۹﴾﴾ [الكهف: ۴۹].

[و در آنروز نامه اعمال نیک و بد خلق را پیش نهند، و اهل گناه و معصیت را از آنچه در نامه عمل آن‌هاست ترسان و هراسان می‌بینی که در حالی که با خود می‌گویند: ای وای بر ما، این چگونه کتابی است که اعمال کوچک و بزرگ ما را سر مویی فرو نگذاشته جز آنکه همه را یک یک شمرده است، و در آن کتاب همه اعمال خود را حاضر می‌بینند، و خدا به هیچ کس ستم نمی‌کند].

مؤمن حساب او آسان است و شادمانه و مسرور بطرف خویشان خود خواهد رفت.

اما کافر حسابش سخت و دشوار است، و ناراحت و وحشت زده از شدت حساب و بدی سرنوشت آرزو می‌کند ای کاش خاک بود تا چنین به آتش کفر نمی‌سوخت.

و خداوند بعد از این خلاق را بر اساس اعمال و کرداشان مجازات می‌دهد، نیکوکاران را پاداش می‌دهد، و بدکاران را به سزای اعمالشان می‌رساند.

باریتعالی می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اَسْأَلُوْا بِمَا عَمِلُوْا وَيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اَحْسَنُوْا بِالْحُسْنٰی﴾ [النجم: ۳۱].
 [و آنچه در آسمان‌ها و زمین است، همه ملک خداست، تا بدکاران را بسبب اعمالشان به کیفر برساند، و نیکوکاران را پاداش نیکوتر عطا کند].

(۳): وظیفه مسلمانان در برابر رسول خدا ﷺ:

ایمان به رسول الله ﷺ بر ما مسلمانان واجب است، همچنین از او امر و دستورات او باید پیروی کنیم، و از آنچه نهی کرده دوری جوئیم، و بر ما واجب است که او را خاتم و سید همه پیامبران بدانیم، ایمان هیچ بنده ای درست نمی‌شود مگر اینکه باور و یقین داشته باشد که محمد ﷺ فرستاده خدا بسوی انس و جن تا روز قیامت است، و هیچ پیامبری بعد از او نخواهد آمد، و خداوند شفاعت عظمی را به او اختصاص داده است، و آن شفاعت روز قیامت است، هنگامی که خداوند بین بندگانش قضاوت می‌کند و همه انبیاء از شفاعت نزد خدا خودداری می‌کنند، در این وقت رسول اکرم ﷺ زیر عرش خداوند به سجده می‌افتد و از خداوند اجازه می‌خواهد تا در باره اهل محشر شفاعت کند، در این حال خداوند می‌گوید: «یا محمد ارفع رأسك وسل تعطه واشفع تشفع».

ای محمد سرت را بلند کن و سؤال کن آنچه می‌خواهی به تو داده خواهد شد، و شفاعت کن که شفاعت تو پذیرفته می‌شود.

(۴) محبت و دوست داشتن یاران و صحابه رسول خدا ﷺ و ﷺ:

وظیفه هر مسلمان است که فضایل صحابه رسول خدا ﷺ را بداند، خوبی‌ها و نیکی‌های آن‌ها را یادآوری نماید، آن‌ها را در ایمان آوردن به قرآن و سنت از ما سبقت گرفتند، در راه تبلیغ رسالت اسلام به مردم از جان و مال گذشتند، و در راه خدا جهاد و مبارزه کردند؛ تا اسلام را به ما و همه مسلمانان جهان رساندند، قرآن و سنت را حفظ نمودند، و با کمال امانتداری و درستی به نسل بعدی منتقل کردند، پس بر ماست که همه این نیکی‌ها را بیاد داشته باشیم، برای آن‌ها درود فرستاده، استغفار کنیم، چنانچه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

[و کسانی‌که بعد از مهاجرین و انصار می‌آیند، یعنی تابعین و همه مؤمنان دعایشان به درگاه خداوند این است که: پروردگارا! ما و همه برادران دینی ما را که در ایمان آوردن از ما سبقت گرفتند بیامرز و در دل‌های ما هیچگونه کینه و حسدی نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو بسیار بخشنده و مهربانی].

و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي

الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْطَهُ، فَفَازَرَهُ، فَاسْتَعْلَظَ، فَاسْتَوَى عَلَى سُوْقِهِ، يُعْجَبُ
 الزَّرْعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ
 مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾ [الفتح: ۲۹]. [محمد فرستاده خداست، و یاران او بر
 کفار بسیار سخت‌اند و با یکدیگر بسیار مهربانند، آن‌ها را در رکوع و سجده
 می‌بینی در حالی که فضل، رحمت، و خشنودی خداوند را از او می‌خواهند،
 بر رخسالشان از اثر سجده نشانه‌های - نورانیت پدیدار است - وصف حال
 آن‌ها در تورات و انجیل آمده است که مثال آن‌ها به دانه‌ای می‌ماند که چون
 تازه سر از خاک بیرون آورده، جوانه ای نازک و ضعیف است، سپس سخت و
 قوی می‌شود، در نتیجه بر ساق خود محکم و قوی می‌ایستد، بطوریکه
 دهقانان در تماشای آن حیران مانند، أصحاب محمد نیز این چنین بودند، از
 ضعف به قوت رسیدند، تا کافران جهان از قدرت آن‌ها بخشم آمدند، خداوند
 وعده داده است که هر کس از آن‌ها در ایمان خودش ثابت و پایدار بماند و
 اعمال نیک انجام دهد، او را بخشیده و پاداشی بزرگ عنایت فرماید].

و رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «لا تسبوا أصحابي فوالذي نفسي بيده! لو أنَّ
 أحدكم أنفق مثل أحدٍ ذهباً ما بلغ مدَّ أحدهم ولا نصيفه»^(۱).

یاران مرا ناسزا نگوئید و دشنام ندهید، سوگند به ذاتی که حیاتم در
 دست اوست اگر یکی از شما به اندازه کوه اُحد طلا انفاق نماید، انفاق و
 بخشش او به مقدار انفاق و بخشش یک کف دست آن‌ها و حتی نصف آن
 نمی‌رسد.

(۱) امام أحمد، بخاری، مسلم، أبوداود، ترمذی، و ابن ماجه.

(۵) وظیفه مسلمانان در برابر خلفای راشدین:

ما باید خلفای راشدین را دوست داشته باشیم، و از خداوند برای آن‌ها طلب رضایت کنیم، و اعتقاد داشته باشیم که ترتیب خلافت آن‌ها بر اساس فضیلت و برتری آن‌ها بر یکدیگر است، همچنانکه گذشتگان ما این اعتقاد را داشتند که ابوبکر در خلافت و فضیلت بر همه مقدم است، و سپس عمر، و بعد عثمان، و سرانجام علی رضی الله عنهم أجمعین.

و ابوبکر بر همه مقدم است زیرا رسول خدا ﷺ در روزهای آخر زندگی خویش هنگامی که مریض شدند وی را بر همه یاران خویش مقدم کرد و او را امام قرار داد تا مردم در نماز به او اقتدا کنند.

از جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت است که: «أتت امرأة النبي ﷺ فأمرها أن ترجع إليه، قالت: أ رأيت إن جئت ولم أجدك؟ - كأنها تقول الموت - قال ﷺ: إن لم تجدني فأني أبا بكر»^(۱).

زنی نزد پیامبر ﷺ آمد و با او در مورد مسئله‌ای سخن گفت سپس فرمودند: اگر کارت تمام شد برگرد، آن زن گفت: ای رسول الله اگر برگشتم و شما را نیافتم چه کنم؟ - قصد این زن این است که اگر آمدم و شما دنیا را وداع گفته بودی در اینحال مرا خبر ده چه کنم - فرمودند: اگر مرا نیافتی نزد ابوبکر بیا.

و همچنین در حدیث دیگر آمده: از عبدالله بن سلمه رضی الله عنه روایت است که می‌گوید: «سمعت علياً رضی الله عنه يقول: خير الناس بعد رسول الله ﷺ أبو بكر، وخير الناس بعد أبي بكر عمر»^(۲).

(۱) امام بخاری، مسلم، ترمذی.

(۲) امام أحمد، بخاری، ابن ماجه.

از علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرمود: بهترین مردم بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله ابوبکر، و بهترین مردم بعد از ابوبکر، عمر می باشد - و در روایتی - علی علیه السلام می گوید: آیا شما را از بهترین مردم در امت محمد صلی الله علیه و آله بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله مطلع سازم؟ ابوبکر، و بعد از ابوبکر، عمر بهترین این امت هستند. و همچنین صحابه با اجماع ابوبکر را مقدم ساختند، و هنگامی که ابوبکر وصیت کرد تا عمر بعد از او خلیفه شود صحابه بر خلافت عمر اجماع نمودند، و سپس اهل رأی و مشورت عثمان را مقدم ساختند، و صحابه بر آن اجماع نمودند، و سپس علی با اجماع اهل آن زمان خلیفه مسلمین شد. ناگفته نماند که در فضیلت خلفای راشدین احادیث زیادی وارد شده که بعضی از آن ها چنین است:

از حذیفه بن الیمان روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي لَا أُدْرِي مَا قَدْرَ بَقَائِي فِيكُمْ فَاقْتَدُوا بِاللَّذِينَ مِن بَعْدِي، وَأَشَارَ إِلَى أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ»^(۱). من نمی دانم چه مقدار در بین شما زنده خواهم بود، ولی بعد از مردن من به آن دو نفری که بعد از من خواهند بود اقتدا کنید، و به ابوبکر و عمر اشاره فرمودند.

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که «قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَيُّ النَّاسِ أَحَبُّ إِلَيْكَ؟ قَالَ: عَائِشَةُ، قِيلَ: مِنَ الرِّجَالِ؟ قَالَ: أَبُو بَكْرٍ»^(۲). به رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد: چه کسی از ما نزد تو محبوبتر است؟ فرمودند: عائشة، گفتند: از مردها؟ فرمودند: پدرش، یعنی ابوبکر.

«عَنْ أَبِي ذَرٍّ رضی الله عنه قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ وَضَعَ الْحَقَّ عَلَى

(۱) امام احمد، ترمذی، ابن ماجه، ابن حبان و غیر از آن ها.

(۲) امام بخاری، مسلم، ترمذی و ابن ماجه.

لسان عمر، يقول به»^(۱).

أبوذر رضی اللہ عنہ می گوید: از رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم شنیدم که فرمودند: خداوند سخن حق و راست را بر زبان عمر قرار داده تا اینکه با آن سخن بگوید.

«عن أنس بن مالك رضی اللہ عنہ أن رسول الله صلی اللہ علیہ و آله و سلم صعد أهدأ وأبو بكر وعمر وعثمان، فرجف بهم فقال: اثبت أهد فأِنَّ عليك نبي و صديق وشهيدان»^(۲).

أنس بن مالك رضی اللہ عنہ می گوید: روزی رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و سلم، أبو بکر، و عمر و عثمان بر کوه اُهد بالا رفتند، آن‌ها بالای کوه بودند که کوه به لرزه در آمد، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمودند: ای اُهد آرام گیر، زیرا بر تو پیامبری، و صدیقی، و دو شهید است؛ نبی یعنی: محمد، و صدیق یعنی: أبو بکر، و دو شهید یعنی: عمر و عثمان.

عن النعمان بن بشير عن عائشة رضی اللہ عنہا قالت: قال رسول الله صلی اللہ علیہ و آله و سلم «يا عثمان إن و لاك الله هذا الأمر فأرادك المنافقون أن تخلع قميصك الذي قمصك الله فلا تخلعه، يقول ذلك ثلاث مرات، قال النعمان فقلت لعائشة: ما منعك أن تُعلمي الناس بهذا؟ قالت: أنسيته»^(۳).

نعمان بن بشير رضی اللہ عنہ از عائشة رضی اللہ عنہا نقل می کند که رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمودند: ای عثمان اگر خداوند تو را فرماندار و حاکم این ملت قرار داد، و منافقین خواستند این لباسی را که خداوند به تن تو کرده است بیرون بیاورند، آن را بیرون نیاور، و آن را سه بار تکرار کرد، یعنی: از فرمانداری و

(۱) إمام أحمد، أبوداود، ابن ماجه و ابن سعد..

(۲) إمام بخاری، أبوداود، ترمذی، ونسائی در سنن کبری.

(۳) إمام أحمد، ترمذی، ابن ماجه، ابن حبان، الهیثمی فی موارد الظمان، الحاکم فی المستدرک، کنز العمال وغیره.

حاکمیت استیفاء مده، زیرا تو بر حق هستی، نعمان می‌گوید: به عائشة گفتم: چرا مردم را از این چیز اطلاع ندادی؟ عائشه فرمود: یادم رفته بود، هدف نعمان این است که هنگام شهادت عثمان چرا مردم را اطلاع ندادی؟

«عن علي بن أبي طالب رضي الله عنه قال: لقد عهد إلي النبي الأُمِّي ﷺ أَنَّهُ لَا يَجِبُكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغُضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ»^(۱).

علی بن ابی طالب رضي الله عنه می‌فرماید: رسول اکرم ﷺ خطاب به من فرمود: بجز مؤمن کسی دیگر با تو محبت و دوستی نمی‌کند، و بجز منافق کسی دیگر با تو بُغض و دشمنی نمی‌ورزد.

(۶): عشره مبشره به بهشت:

کسانی که رسول الله ﷺ بشارت به بهشت داده است، ما نیز گواهی می‌دهیم که آنها بهشتی هستند، و این از اصول اهل سنت و جماعت است، مانند این ده نفر که رسول اکرم ﷺ فرمودند اینها بهشتی هستند:

- ۱- أبوبکر صدیق.
- ۲- عمر بن خطاب.
- ۳- عثمان بن عفان.
- ۴- علی بن ابی طالب.
- ۵- طلحة بن عبیدالله.
- ۶- زبیر بن عوام.
- ۷- سعد بن ابی وقاص.
- ۸- سعید بن زید بن نفیل.
- ۹- عبدالرحمن بن عوف.

(۱) إمام مسلم، ترمذی، نسائی، وابن ماجه.

۱۰- أبو عبیده بن جراح رضوان الله علیهم أجمعین.

عن عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه أنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَبُوبَكْرٍ فِي الْجَنَّةِ، وَعُمَرُ فِي الْجَنَّةِ، وَعِثْمَانُ فِي الْجَنَّةِ، وَعَلِيٌّ فِي الْجَنَّةِ، وَعِثْمَانُ فِي الْجَنَّةِ، وَطَلْحَةُ فِي الْجَنَّةِ، وَالزُّبَيْرُ فِي الْجَنَّةِ، وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ فِي الْجَنَّةِ، وَسَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَاصٍ فِي الْجَنَّةِ، وَسَعِيدُ بْنُ زَيْدٍ فِي الْجَنَّةِ، وَأَبُو عَبِيدَةَ بْنِ الْجَرَّاحِ فِي الْجَنَّةِ»^(۱).

حدیث مذکور دلیل بهشتی بودن این ده نفر فوق است چنانکه در این حدیث رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به بهشتی بودن این ده نفر گواهی داده اند.

(۷): عدم گواهی دادن برای شخص معینی که بهشتی یا دوزخی است:

از اصول أهل سنت و جماعت است که گواهی به بهشتی یا دوزخی بودن هیچ أهل قبله، یعنی: هیچ مسلمانی نمی‌دهند، مگر اینکه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گواهی داده باشد، بلکه أهل سنت برای نیکوکاران امید و آرزوی ثواب دارند و می‌ترسند و بیمناک‌اند که بدکاران مجازات شوند.

(۸): وظیفهٔ مسلمانان در برابر أزواج و همسران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

همسران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مادر همهٔ مؤمنان‌اند و وظیفهٔ مسلمانان است که برای آنها از خداوند رضایت طلب کنند، آنها از هر گونه بدی و زشتی دور هستند، برترین آنها خدیجه دختر خویلد، و عائشهٔ دختر ابوبکر صدیق می‌باشند.

در حالی که همهٔ آنها در نقل علم و میراث رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سرمایه‌ای گرانبها بودند، آنها بسیاری از علوم نبوت را به اُمت محمدی منتقل کردند، نمونهٔ راستی، راستگویی، امانتداری، عفت، پاکدامنی، وفاداری، در زنا شوی

(۱) إمام أحمد، أبوداود، ترمذی، وابن ماجه غیره.

و خانه داری بودند، بر زنان مسلمان است تا از آن‌ها پیروی کنند و آن‌ها را الگوی خویش قرار دهند، زیرا دنیا تا قیامت افرادی مانند آن‌ها را بخود نخواهد دید و مانند آن‌ها پیدا نخواهد شد.

(۹): وظیفهٔ مسلمانان در برابر ائمه و حکام و فرمانروایان مسلمین:

اطاعت از گفتار علماء و عمل به گفته‌های آنان وظیفهٔ ماست، همچنین باید از حکام مسلمان اطاعت کنیم، اگر انحراف و بدی از آن‌ها دیدیم نصیحت آن‌ها وظیفهٔ ماست، در گفتار و کردار نیک آن‌ها را یاری کنیم، مگر اینکه گفتار و کردار آن‌ها مخالف قرآن و سنت باشد، در اینصورت نباید از آن‌ها اطاعت کنیم.

عن أبي هريرة رضي الله عنه أنَّ رسول الله ﷺ قال: «الدين النصيحة، الدين النصيحة، الدين النصيحة، قلنا لمن يا رسول الله؟ قال: لله ولكتابه ولرسوله ولأئمة المسلمين وعامتهم»^(۱).

از ابو هریره رضي الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: دین اسلام دینی است که به کردار و گفتار خوب نصیحت می‌کند - و آن را سه بار تکرار فرمودند - یاران رسول الله ﷺ سؤال کردند: نصیحت برای چه کسی؟ فرمود: برای کتاب خدا که آن را بخوانید و مورد عمل قرار دهید، و برای خدا که به او ایمان بیاورید، و برای رسول خدا که از او اطاعت کنید، و برای علماء و أمراء و زمامداران و حکام مسلمین که از آن‌ها اطاعت کرده و آنان را یاری کنید، و بر آن‌ها انقلاب نکنید بجز در حال کفر آشکار و واضح، در اینجاست که در برابر معصیت خالق، اطاعت از مخلوق درست نیست، و همچنین نصیحت برای تمام مردم است، به این صورت که با راهنمایی به راه راست

(۱) إمام أحمد، بخاری، مسلم، أبوداود، ترمذی، نسائی، ابن خزيمة، الدارمی.

آن‌ها را یاری کنیم.

خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهٖ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾ [النساء: ٥٩].

[ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا، و رسول خدا، و حکام و زمامداران مسلمان اطاعت کنید، و اگر در مورد مسئله‌ای اختلاف و نزاع کردید به حکم خدا و رسول خدا ﷺ باز گردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید این کار - رجوع به حکم خدا - برای شما بهتر و سرانجام خوبی خواهد داشت].

در پایان امیدوارم این کتابچه مورد توجه خوانندگان گرامی قرار گیرد و در برخی از مسائل خداشناسی سرمشق و الگوی پیروی از قرآن و سنت باشد.

والله تعالى أعلم

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين.

وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله وصحبه.

سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين.